

شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



فاطمه (علیها السلام) در روزهای آخر زندگی

فاطمه (علیها السلام) در روزهای آخر زندگی، «اسماء بنت عمیس» را فراخواند و فرمود: دوست ندارم بر پیکر زن پارچه ای بیفکنند و اندام وی زیر آن نمایان باشد.

اسماء پاسخ داد: نه من چیزی به تو نشان خواهم داد که درحیثه دیدم سپس چند شاخه تر خواست، آنها را خم کرد و پارچه ای بر روی آن کشید و تابوت گونه ساخت. فاطمه (علیها السلام) فرمود: چه چیز خوبی است پیکر زن و مرد قابل تشخیص نیست. ای اسماء! هنگامی که جان دادم تو مرا غسل بده و نگذار کسی نزد جنازه من بیاید. این اولین تابوتی بود که در اسلام ساخته شد و هنگامی که فاطمه (علیها السلام) آن را دید تبسمی کرد که تنها تبسم او بعد از وفات پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. (1)

بیماری فاطمه (علیها السلام) روز بروز سخت تر می شد، فرزندان زهرا سلام الله علیها بخاطر مادرشان بشدت نگران بودند و دل پاک علی (علیه السلام) از اندوه فاطمه سلام الله علیها در خون نشسته بود. روز وفات، زهرا (علیها السلام) وصایای خود را به علی علیه السلام بیان فرمود و او بشدت گریست. فاطمه (علیها السلام) ضمن سفارش فرزندانش به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی! مرا شبانه غسل بده، کفن کن و به خاک بسپار، آن هنگام که چشمها در خواب است.

دوست ندارم کسانی که حقم را غصب کردند به تشییع جنازه من حاضر شوند و یا بر من نماز بخوانند. (2) هنگامی که وفات فاطمه سلام الله علیها نزدیک شد، به «سلمی» (3) فرمود تا مقداری آب آورد. زهرا سلام الله علیها غسل کرد و بخوبی بدن خود را شستشو داد، لباسهای نوی خود را خواست و آنها را پوشید؛ سپس از سلمی

خواست تا رختخوابش را وسط حجره بگستراند آنگاه رو به قبله دراز کشید؛ دستها را زیر صورت نهاد و گفت من هم اکنون قبض روح خواهم شد. خود را پاکیزه کرده ام کسی مرا برهنه نکند. (4)

پس از وفات فاطمه (علیها السلام) حسن و حسین (علیهما السلام) وارد خانه شدند و سراغ مادرشان را گرفتند، گفتند اکنون هنگام استراحت مادر ما نیست اسماء (5) به آنان گفت عزیزانم مادران از دنیا رفت.

حسن و حسین (علیه السلام) روی جنازه مادر افتادند و آن را می بوسیدند و گریه می کردند. حسن (علیه السلام) می گفت مادر جان با من سخن بگو. حسین (علیه السلام) می گفت مادر جان من حسین توام، قبل از آنکه بخاطر غم فراق روح از بدنم جدا شود با من سخن بگو.

یتیمان زهرا (سلام الله علیها) به جانب مسجد شتافتند تا پدرشان را از مرگ غم انگیز مادر با خبر کنند. وقتی خبر وفات زهرا (سلام الله علیها) به علی (علیه السلام) رسید از شدت غم و اندوه بیتاب شد و فرمود ای دختر پیامبر (ص) تو تسلی بخش من بودی بعد از تو از که تسلیت بجویم. (6)

صدای شیون یتیمان زهرا (سلام الله علیها) آوای جانسوز عزا بود که بگوش مردم مدینه رسید. «عده ای از خواص بنی هاشم به درون خانه رفتند،» مردم مدینه نیز بیرون خانه اجتماع کردند و در حالی که بشدت می گریستند منتظر بودند جنازه زهرا (سلام الله علیها) را از خانه بیرون آورند تا در تشییع جنازه شرکت کنند ناگاه ابوذر از خانه خارج شد و گفت پراکنده شوید چون تشییع جنازه به تاخیر افتاد. (7)

شبانگاه علی علیه السلام پیکر پاک فاطمه (سلام الله علیها) را غسل داد. (8)

در هنگام غسل وی اسماء نیز با علی (علیه السلام) همکار داشت. (9)

تنی چند از پاک مردان و رازداران اهل بیت چون سلمان فارسی، مقداد، ابوذر، عمار و حذیفه، عبدالله بن مسعود (10)، عباس و عقیل همراه حسن و حسین و علی (سلام الله علیها) نماز گزارند. (11)

شباناه فاطمه (سلام الله علیها) رادفن کردند، علی (علیه السلام) او را بخاک سپرد (12) و اجازه نداد تا ابوبکر بر جنازه او حاضر شود (13) علی علیه السلام جایگاه زهرا (علیه السلام) را با زمین یکسان ساخت تا مزارش شناخته نشود. (14)

و به روایتی صورت چند قبر بنا کرد تا مزار واقعی مخفی بماند. (15)

سخنان حضرت علی علیه السلام بر مزار زهرا (سلام الله علیها)

کلینی عالم و محدث معروف شیعی - متوفای 328 ه.ق - می نویسد:

پس از وفات فاطمه (سلام الله علیها)، علی (علیه السلام) او را پنهان به خاک سپرد و جای قبرش را ناپدید کرد، سپس برخاست روبه مزار رسول خدا (ص) کرد و گفت:

سلام بر تو یا رسول خدا (ص)! از من و از دخترت که به دیدار تو آمده و اکنون در کنارت زیر خاک خفته است، خداوند چنین خواسته که او زودتر از دیگران به تو ملحق شود.

ای پیامبر خدا (ص)! شکیبائی ام از فراق محبوبه ات بپایان رسیده، و خویشتن داریم بخاطر جدایی سرور زنان عالم از دست رفته است. اما چه چاره جز آنکه طبق سنت تو بر مصائب صبر کنم، آنچنان که در مصیبت جدائیت صبر نمودم. من سرت را در آرامگاهت نهادم و تو بر روی سینه من جای دادی «همه از خدائیم و به سوی خدا باز خواهیم گشت» همانا امانت به صاحبش رسید و گروگان دریافت گشت و زهرا (سلام الله علیها) از دستم گرفته شد.

ای رسول خدا (ص) پس از او آسمان و زمین در منظر نگاهم زشت می نماید. اندوهم جاودانه شد و شبم در بیخوابی می گذرد و غمم پیوسته در دل است تا خدا مرا در جوار تو ساکن گرداند. غصه ای دارم که از شدتش دل به خون نشسته و اندوهی دارم بهت آور چه زود جمع ما را به پریشانی کشانید و میان ما جدائی افکند تنها بسوی خداوند شکایت می برم به همین زودی دخترت از همدست شدن امتت بر ربودن حقش به تو خبر خواهد داد، همه سرگذشت را از او بپرس و گزارش را از او بخواه، چه بسا درد دلهایی که چون آتش در سینه اش می جوشید و در دنیا راهی برای گفتن و شرح دادن آن نیافت او هم اکنون می گوید و خداوند هم داوری می کند و او بهترین داورانست سلام بر شما سلام وداع کننده که نه خشمگین است و نه دلتنگ اگر می روم بخاطر دلتنگیم نیست و اگر بمانم بخاطر بدگمانیم به خدا از آنچه به صابران وعده داده نباشد. آه، آه صبر آرام بخش و زیباست و اگر بیم چیرگی ستمکاران بود برای همیشه چون معتکفان در اینجا می ماندم و چون فرزند مرده شیون سرمی دام و سیل آسا می گریستم خدا گواهست که دخترت پنهان بخاک سپرده می شود در حالی که حقش غصب شد و از ارثش محروم گشت. با اینکه هنوز روزی چند از وفات نگذشته بود و بر خاطره ها از یادت غبار کهنگی ننشسته بود.

ای رسول خدا (ص)! دل را به یاد تو آرام میدارم درود خدا بر تو و سلام و رضوان خدا بر فاطمه (سلام الله علیها) باد». (16)

از فراق فاطمه (علیها السلام) علی (علیه السلام) بشدت اندوهگین بود، رنج و اندوه علی (علیه السلام) در سخنان از دل برآمده ای که درکنار مزار زهرا (سلام الله علیها) گفت هویدا است. گاه نیز سوز دل خود را در مرثیه هایی که می سرود و یازمزمه می کرد نشان می داد. در دیوانی که منسوب به امیرالمومنین (علیه السلام) است شعری با نوزده بیت آمده که علی (علیه السلام) آنرا بر مزار فاطمه زهرا (علیها السلام) سروده است. (17) اما ابوالعباس مبرد - متوفای 285 ه - دو بیت از آن شعرها را با اندکی تفاوت ذکر کرد. و گوید علی (علیه السلام) به این اشعار تمثل جست.

لکل اجتماع من خلیلین فرقه و کل الذی دون الممات قلیل و ان افتقادی واحدا بعد واحد دلیل علی ان لایدوم خلیل (18)

جمع هر دو دوستی را عاقبت فراق و پریشانی است و هر چیز جز مرگ ناچیز است و اینکه من دوستی را پس از دوست دیگر از دست می دهم نشان آن است که هیچ دوستی جاوید نمی ماند.

در جستجوی مزار فاطمه (علیها السلام)

«و لای الامور تدفن سرا بضعة المصطفی و یعفی ثراها» «پاره تن مصطفی چرا پنهان بخاک سپرده شد و مزارش پنهان ماند»؟

بدون هیچ تردیدی پس از دفن شبانه و مخفیانه زهرا (علیه السلام) مزارش نیز پنهان داشته شد. اما چرا بایستی در شهر پیامبر (ص) مزار تنها دخترش که به فاصله کوتاهی از او به دیدار خدا شتافت مخفی بماند؟ چرا نباید آنگونه که شایسته مقام اوست انبوه مردم در عزای او و تشییع جنازه اش شرکت کنند و بر او نماز بگذارند و دفنش نمایند؟ آیا اینها بخاطر اجرای وصیت زهرا (علیه السلام) نبود؟ از این رو آن روزها کسی بدرستی جایگاه مزار فاطمه (علیه السلام) را نمی دانست و اگر کسی از علی (علیه السلام) سراغ مزار فاطمه (علیه السلام) را می گرفت به احتمال قوی پاسخش به سکوت برگزار می شد.

سکوتی که در آن هزاران نکته اعتراض آمیز نهفته بود زیرا علی (علیه السلام) سعی و اصرار فراوان در پنهان داشتن مزار زهرا (علیه السلام) داشت بدین خاطر جایگاه مزار فاطمه را با زمین یکسان کرد آنگاه صورت هفت قبر (19) و یا چهل قبر در بقیع ترتیب داد و هنگامی که مردم به بقیع رفتند صورت چهل قبر را دیدند از این روشناخت مزار فاطمه (علیه السلام) بر آنان مشکل افتاد. (20)

طبری در دلائل الامامه می نویسد آن روز صبح می خواستند زنها را ببرند که قبرها را نبش کنند و جنازه زهرا (علیه السلام) را از قبر بیرون آوردند و بر آن نماز بخوانند اما با تهدید علی (علیه السلام) منصرف شدند. (21)

با این وجود در مورد مزار فاطمه زهرا (علیه السلام) چهار قول وجود دارد:

1- برخی مزار فاطمه (علیه السلام) را در بقیع می دانند از جمله اربلی در کشف الغمه و سید مرتضی در عیون المعجزات (22) اهل سنت نیز عموماً بر این باورند آنان مزاری را که در کنار مزار چهار امام (علیه السلام) وجود دارد مزار فاطمه دختر رسول خدا (ص) می دانند. (23)

2- برخی چون ابن سعد و ابن جوزی گویند فاطمه (سلام الله علیها) رادر خانه عقیل دفن نموده اند. (24)

3- برخی مزار فاطمه (سلام الله علیها) را در روضه پیامبر (ص) می دانند.

4- عده ای گویند فاطمه (علیه السلام) را در خانه اش دفن نمودند که قرائن، روایات و اقوال زیادی این قول را تایید می کند که عبارتند از:

1- هیچ دلیلی نداشت که علی (علیه السلام) فاطمه زهرا (علیه السلام) را در جوار پیامبر (ص) به خاک نسپارد زیرا خانه فاطمه (علیه السلام) در کنار خانه رسول خدا (ص) بود و بنابراین خانه فاطمه فضیلت بیشتری نسبت به بقیع داشت آنگونه که حتی بعدها ابوبکر و عمر هم هنگام مرگشان وصیت کردند در جوار پیامبر (صلی الله علیه و آله) دفن شوند. امام حسن مجتبی (علیه السلام) هم هنگام شهادت وصیت نمود کنار جدش بخاک سپرده شود که متأسفانه اهل بیت (علیه السلام) هنگام اجرای وصیت با مخالفت برخی روبرو شدند. (25)

و از این رو حضرت را در کنار جده اش «فاطمه بنت اسد» بخاک سپردند. (26)

در اینجا روشن می شود: اول آنکه اهل بیت تاکید داشتند تا در کنار پیامبر (ص) به خاک سپرده شوند و دوم امام حسن (علیه السلام) کنار مزار فاطمه بنت اسد دفن گردید بنابراین مزاری که در بقیع در کنار مزار چهار امام

(علیهم السلام) قرار دارد مزار فاطمه بنت اسد است نه مزار فاطمه زهراء (علیه السلام) !

2- هر چند دفن فاطمه (علیه السلام) شبانه صورت گرفت اما با توجه با بافت شهری مدینه در آن زمان انتقال

فاطمه (علیه السلام) از خانه اش به بقیع و عبور از کوچه های تنگ و از جلوی خانه های کوچکی که به سبک روستاها غالباً حیاطی هم نداشتند چندان آسان نمی نماید زیرا کافی است تنها در این مسیر چشمی بیدار باشد و یا بیدار شود و همه نقشه ها بر باد رود.

3- سخن علی (علیه السلام) بر مزار فاطمه (علیه السلام) که پس از دفن او برخاست و رو به قبر پیامبر (ص) کرد و فرمود «السلام عليك يا رسول الله عني و عن ابنتك النازلة في جوارك» (27) یعنی: سلام بر تو ای رسول خدا (ص) از من و از دختری که در جوار تو فرود آمده.

و طبق نقل کلینی: «السلام عليك عني و عن ابنتك و زائرك و البائنة في الثرى ببقعتك» (28) یعنی: ای رسول خدا (ص) ! از من و دختری که به دیدار تو آمده و در کنار تو که زیر خاک آرمیده دروید باد.

از هر دو عبارت کافی و نهج البلاغه چنین استفاده می شود که علی (علیه السلام) پس از دفن فاطمه (علیه السلام) رو به قبر پیامبر (ص) کرد. بنابراین معلوم می شود قبر شریف نبوی (ص) در پیش روی او بود، و اگر علی (علیه السلام) در بقیع بود بایستی رو به سوی قبر حضرت می کرد نه رو به قبر شریف پیامبر. دیگر اینکه به تصریح ذکر شده که فاطمه (علیه السلام) در جوار پیامبر (ص) و در کنار او به خاک سپرده شده است.

4- شیخ صدوق ابن بابویه عالم بزرگ شیعه - متوفای 389 ه - گوید: برایم ثابت شده که فاطمه (علیه السلام) رادر خانه اش دفن نمودند، پس از آنکه مسجد را توسعه دادند قبر فاطمه (علیه السلام) در مسجد واقع شد. من سالیکه به سفر حج رفتم در مدینه رو به سوی خانه فاطمه (علیه السلام) که از اسطوانه روبروی باب جبرئیل تا پشت حظیره مرقد نبوی است نمودم و در آنجا زیارت فاطمه را به جا آوردم. (29)

گروهی دیگر از علماء نظیر علامه حلی و علامه مجلسی معتقدند که فاطمه (علیه السلام) را در خانه اش دفن نمودند. (30)

5- شیخ طوسی - متوفای 460 ق - گوید صحیح آن است که فاطمه (علیه السلام) در خانه اش یا روضه پیامبر (ص) دفن گردید، زیرا دیث شریف پیامبر (ص) این مطلب را تایید می کند که فرمود: «ما بین قبری و منبری روضة من ریاض الجنة» بین قبر و منبرم باغی از گلشن های بهشت است. (31)

در صورتی که مکان روضه را وسیعتر بدانیم قول شیخ طوسی نیز قابل قبول است و گرنه خانه فاطمه (علیه السلام) ما بین قبر و منبر پیامبر (ص) نبوده است بلکه پایین قبر پیامبر (ص) قرار داشته است.

6- در سال 886 ق بدنبال آتش سوزی درمسجد نبوی در مدینه سمهودی تاریخ نگار و مدینه شناس معروف که از علویان مصری ساکن مدینه بود ماموریت نظارت بر تعمیرات را به عهده گرفت از این رو به مقصوره قدم نهاد تا به کار خویش پردازد در هنگام تعمیر قبری در زیر کف اطاق حضرت فاطمه (علیها السلام) پیدا شد که باید قبر فاطمه (علیه السلام) دختر پیامبر (ص) باشد. (32)

7- وجود مزار شریف فاطمه (علیه السلام) درحجره اش معروف و مشهور بوده زیرا به عهد سمهودی خدام حرم شریف نبوی (ص) مردم را هنگام زیارت مردم را راهنمای می کردند تا جلو حجره فاطمه (علیه السلام) قدری از کنار ضریح پیامبر (ص) فاصله گیرند مبادا پا بر مزار فاطمه (علیه السلام) نهند. زیرا می دانستند که بنا بر یکی از اقوال آنجا مزار فاطمه (علیه السلام) است. (33)

8- مردی از امام جعفر صادق (علیه السلام) مکان مزار فاطمه (علیه السلام) را سؤال نمود حضرت فرمود: «در خانه اش دفن شد». (34)

9- به موجب روایتی که معتبرترین کتب شیعه نظیر اصول کافی، عیون اخبار الرضا، مناقب و دیگر کتابها آن را

نقل کرده اند: مردی از حضرت رضا (علیه السلام) مکان قبر فاطمه (علیه السلام) را پرسید حضرت فرمود فاطمه (علیه السلام) را در خانه اش دفن نمودند بعد از آنکه بنی امیه مسجد را توسعه دادند قبر فاطمه (علیه السلام) در مسجد واقع شد. (35)

10- مردی بنام ابراهیم بن محمد همدانی نامه ای به امام علی النقی نوشت و از حضرت محل دفن فاطمه (علیه السلام) را سؤال کرد. امام در پاسخ وی نوشت او را کنار جدم رسول خدا (ص) ب خاک سپردند. (36)

بنابراین با توجه به دلائلی که ذکر شد جای تردید باقی نمی ماند که فاطمه زهرا (علیها السلام) در خانه اش دفن گردید بخصوص که ائمه علیهم السلام نیز این موضوع را با صراحت بیان فرموده اند و به یقین فرزندان بهتر جای قبر مادرشان را می دانند و اهل خانه از درون خانه بهتر خبر دارند اگر فاطمه (سلام الله علیها) دستور ساختن نعش رابه اسماء می دهد نه برای این است که جسد او را می خواستند جابجا کنند بلکه بدین جهت است که چند تنی که بر او نماز می گزارند پیکرش را نبیند و اگر علی (علیه السلام) صورت قبرهای در بقیع بنا می کند بدان خاطر است تا مزارهای واقعی در آن مقطع خاص زمانی مخفی بماند و اگر با کسانی که قصد شکافتن آن قبرهای غیر واقعی را دارند به مقابله جدی برمی خیزد بدان خاطر است که اگر آن شبه قبرها شکافته شود بر آنان تردیدی نخواهد ماند که فاطمه در خانه اش به خاک سپرده شده و هر چند علی (علیه السلام) مزار فاطمه را با زمین یکسان قرار داده بود اما کنجاویها راز نهفته را آشکار می کرد. بعد از گذشت آن دوران خاص دیگر پنهان داشتن مزار دلیل خاص نداشت و از این رو فرزندان فاطمه (علیه السلام) یعنی حضرت امام جعفر صادق امام رضا و امام علی النقی (که درود خدا بر آنان باد) با صراحت فرمودند که مزار فاطمه (علیها لاسلام) در خانه اش می باشد و در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) ب خاک سپرده شده است. اکنون تنها پاسخ به این سوال باقی است که مکان حجره فاطمه زهراء (علیها السلام) در مسجد نبوی کجاست؟

در پاسخ به این سوال مورخ کبیر اهل سنت شیخ محمود بن محمد النجار در کتابش الدرۃ الثمینة فی اخبار المدینه چنین می نویسد: قبر فاطمه رضی الله عنها در خانه اوست که عمر بن عبد العزیز آن را ضمیمه مسجد کرد خانه او امروز داخل مقصوره و پشت حجره پیامبر (ص) است و در آن محرابی قرار دارد. همچنین قبر پیامبر (ص) و سائر حجرات همسرانش در مسجد قرار دارد. (37)

تاریخ وفات

در تاریخ وفات حضرت زهرا (علیه السلام) نیز اختلاف است عده ای از علماء شیعه و سنی وفات فامه زهرا (علیه السلام) را 75 روز (38) و عده ای 95 روز بعد از وفات پیامبر (ص) می دانند. (39)

یکی از مواردی که موجب اختلاف شده این است که در خط کوفی تقطه گذاری وجود نداشته است. واز این رو خمس و سبعون (75 روز) و خمس و تسعون (95 روز) هر دو یکسان نوشته می شده که در خواندن و قرائت آن اشتباه پیش آمده است.

با توجه به اینکه وفات پیامبر (ص) در روز دوشنبه 28 صفر سال یازدهم هجری قمری مطابق 7 خرداد سال 11 ه.ش اتفاق افتاد بنابر گفته اول (75 روز) تاریخ وفات فاطمه (علیه السلام) 13 جمادی الاولی سال یازدهم ه.ق مطابق هفدهم مردادماه سال 11 هجری شمسی و بنابر گفته دوم (95 روز) تاریخ 3 جمادی الاخر سال 11 ه.ق مطابق با ششم شهریور سال 11 هجری شمی می باشد البته گفته های دیگر در تاریخ وفات حضرت زهرا هست اما فاصله 75 روز یا 95 روز با نظر اهل بیت (علیه السلام) هماهنگ است از این رو ما را با دیگر گفته ها کاری نیست. با توجه به قرائنی چند آنچه صحیح تر می نماید 95 روز است. (40)

پی نوشت ها :

1. طبقات ج 8 ص 18- سنن بیهقی ج 4 ص 34- ذخائر العقبی ص 53- بحار الانوار ج 43 ص 189.
2. بحار الانوار ج 43 ص 192.
3. سلمی همسر ابی رافع کنیز پیامبر (ص) بود که حضرت وی را آزاد فرموده بود بعدها افتخار خدمتگزاری به فاطمه را یفات و به خاطر تشابه اسمیش به اسماء برخی تاریخ نگاران این جریان را به اسماء نسبت داده اند ر.ک. به پاورقی ج 43 ص 181 بحار الانوار.
4. مسند الامام احمد بن حنبل ج 6 ص 163- حلیة الاولیاء ج 2 ص 43- ذخائر العقبی ص 43- اسدالغابه ج 5 ص 590- امالی مفید ص 172.
5. شاید هم خود سلمی!.
6. بحار الاوار ج 43 ص 186.
7. بحار الاوار ج 43 ص 192.
8. طبقات ابن سعد ج 8 ص 18.
9. کشف الغمه بحار الانوار ج 3 ص 185 و 189 و 184.
10. تفسیر فرات بن ابراهیم ص 215- رجال کشی ص 4- اختصاص ص 5.
11. بحار الانوار ج 43 ص 183.
12. طبقات ج 8 ص 18.
13. انساب الاشراف.
14. بحار الانوار ج 43 ص 193.
15. دلائل الامامه ص 46.
16. اصول کافی ج 1 ص 458- کشف الغمه - دلائل الامامه ص 47 امالی مفید ص 165- درنهج البلاغه بطور خلاصه تر یاد شده خطبه 194 نهج البلاغه فیض ص 651 شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج 10 ص 265.
17. بحار الانوار ج 43 ص 216.
18. کامل ابوالعباس مبرد ج 4 ص 30.
19. بحار الانوار ج 43 ص 182.
20. دلائل الامامه ص 46.
21. دلائل الامامه ص 46.

22. كشف الغمه عيون المعجزات ص 47.
23. نگاه كنيد به تصاویر شماره 7 و 8.
24. طبقات ج 8 ص 20 تذكرة الخواص.
25. مقاتل الطالبین ص 48 و 49- كشف الغمه ج 1 ص 586- تاریخ یعقوبی ج 2 ص - 255 شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد ج 16. ص 14.
26. كشف الغمه ج 1 ص 586 مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 44 ارشاد مفید ص 192- فتوح ابن اعثم ج 4، ص 208.
27. نهج البلاغه فیض ص 652- خطبه 195.
28. اصول کافی ج 1 ص 458.
29. من لا یحضره الفقیه ج 2 ص 341.
30. بحار الانوار ج 43 ص 188- منتقى علامه حلی - مرآة العقول ج 1 ص 39.
31. بحار الانوار ج 43 ص 185.
32. مکه مکرمه مدینه منوره ص 160.
33. وفاء الوفاء ج 2 ص 469 و ص 906.
34. قرب الاسناد ص 161- بحار الانوار ج 10 ص 192.
35. دفنت فی بیتها فلما زادت بنو امیة فی المسجد صارت فی المسجد» . اصول کافی ج 1 ص 461 عیون اخبار الرضا ج 1 ص 311 مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 139 مرآة العقول ج 5 ص 349- معانی الاخبار ص 268.
36. ریاحین الشریعه ج 2 ص 93.
37. الدرة الثمینه فی اخبار المدینه ص 359 و 360 نگاه كنید به تصویر شماره 9.
38. اصول کافی ج 1 ص 458 الامامه و السیاسه ج 1 ص 20 دلائل الامامه ص 45 كشف الغمه.
39. روایتی از امام باقر (علیه السلام) .
40. ر.ک به مصباح المتهجد ص 732 مصباح کفعمی ص 511 اقبال سید بن طاوس ص 623- دلائل الامامة ص 45 بحار الانوار ج 43 ص 170 و 180- منتخب التواریخ ص 102 منتهی الامال ص 99.